



خیلواکی

استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

شنبه ۰۹ اکتوبر ۲۰۲۱

حمید انوری

## "پیش کله خر یاسین خواندن"

محترم و گرامی "باری جهانی"، از دل پر درد خود و از احساس وطنخواهی و انسان دوستی خود، چند سطر قاطع و مستدل ذیل را به جواب جفنگ های تهوع آور فرد معلوم الحال بنام "صمد ازهر" مشهور به قاتل و شکنجه گر و از سرسپردگان جناح پرچم حزب نادیموکراتیک ضد خلق، نوشته اند که خانه شان آباد. عاقبت شخصیت محترمی در سایت "افغان - جرمن آنلاین" پیدا شد که با مشت به دهن خون آلود و کثیف "صمد ازهر" بکوبد.

جناب عبدالصمد ازهر. وقتی مضمون جناب شما را تحت عنوان چرا ختم اشغال را گرامی میداریم از نظرم گذشت؛ باور کنید در حیرت افتادم. جناب شما که، من حیث یک پرچمی عالیرتبه، از مدافعین سرسپرده اشغال بیرحمانه شوروی ها بودید؛ و چون چندی هم به حیث آمر زون حوزه غرب ایفای وظیفه نموده اید حتما به صد ها فرزند این خاک را، که برضد اشغال بیرحمانه شوروی ها جهاد میکردند به جوخه اعدام سپرده اید. اکنون با کدام جرأت به خود حق میدید که درباره اشغال امریکایی ها قلمفرسایي نموده و با مردم ستمدیده افغانستان ابراز همدردی کنید. اگر سبک نویسندگی ام زشت نویسی میبود شاید، برابر شأن شما، سخت تر مینوشتم و من حیث یک افغان حق هم داشتم.

پس به این نتیجه میتوان رسید که در هیچ صورت جنایات وحشتناک خلقی ها و پرچمی ها و اعوان و انصار شان فراموش مردم و فراموش تاریخ نمی شود. جناب محترم "باری جهانی" از نهایت شکسته نفسی نوشته اند که سبک شان زشت نویسی نیست و اگر می بود برابر شأن "صمد ازهر" می نوشتند.

خدمت محترم جهانی عرض شود اینکه این گونه افراد ذلیل را "شائی" در کار نیست و در وجود بی وجود شان، چیزی بنام شأن و وجدان و اخلاق و انسانیت و آدمیت وجود خارجی ندارند. همین ضرب المثل مشهور وطنی ما بر حال این گونه افراد بی وجدان، دیده در ا و بی شخصیت خوب صدق میکند که "پیش کله خر یاسین خواندن".

البته در همین جا باید از تمام خران جهان معذرت خواست که افرادی چون صمد ازهر ها را باید خر خطاب کرد که خود توهین بزرگی است بر تمام خران. این نوع افراد بیشتر به خوک و کفتار شباهت دارند تا به خر.

خران جهان به مراتب تربیه و شرف دارند از اینگونه افراد دیده در ا، جانی، جنایتکار و شرف باخته. خر را که یکی دو بار به راهی ببری و بیآوری و گویا به راهی سم نمائی، راه خود را پیدا میکند و دیگر ضرورت به چوب و دنده زدن و اوش و اخ گرفتن ندارند و سرخم به راه خود میروند، بار های سنگین را به مسافت های طولانی حمل میکنند و خلاصه که به قناعت و بردباری تمام از بام تا شام در خدمت انسانها قرار دارند. خر ها هیچ وقت و در هیچ حالتی به هم جنس های خود و حتی به دیگر حیوانات ظلم و تعدی و تجاوز نمی کنند، و...، اما انسان نمائی چون "صمد ازهر ها" چرا! جناب محترم "باری جهانی"، بگذارید این کمترین سخت بنویسم و در مقابل این جنایتکاران تاریخ و در برابر این خون ریزان و آدم کشان و جاسوسان و خود فروخته گان و میهن فروشان و وجدان باختگان تاریخ بشریت از بدترین الفاظ استفاده کنم که بدتر از اینها برای آنان هنوز کم است. من به خواهر و مادر آنان کاری ندارم، اما حیف و صد حیف شیر مادر که این ها زهر کرده اند. شاید اکثریت قاطع این طایفه بی غیرت و بی ننگ و عار و شرف مرده و وجدان باخته، شیر دایه های روسی را خورده باشند که اگر صد بار و هزار بار هم برای شان سخت بگوئی و بنویسی و اگر برای شان بگوئی و بنویسی و به تکرار اندر تکرار بنویسی که در فلان جاییت درخت روئیده، با دیده درائی و چشم سفیدی میگویند، پروا ندارد زیر سایه آن می نشینم.

این "صمدک ازهر" دیگر شرف باختگی و وجدان مردگی را از حد گذشتانده است و هر شام و پگاه و هر صبح و بیگاه برای این مردم و این ملک در خون خفته، نسخه شفا می نویسد و هرگز هم یادی از کودتای منحوس ثور و تجاوز ننگین رو سیه ای شوروی به کشور ما نمی کند.

او خوب میداند، اما خود را به کوچه حسن چپ میزند که منشأ تمام این بدبختی ها و تجاوزات و جنایات و خوریزی ها و کشتار و در به دری و آوارگی و جرم و جاسوسی و جنایت و خیانت و...،

کودتای ننگین هفتم ثور این زنازادگان تاریخ است و اساس آنرا همین شرف باخته در کشور ما گذاشتند.

گله این کمترین و نیز یادداشت دقیق شما، از صمد ازهر ها و امثال شان نیست، چه آنان که وجدان ندارند و شرف باخته اند و جاسوس و قاتل و شکنجه گر و... بوده اند و در مکتب جاسوسی و شکنجه و کشتار و خونریزی و...، سازمانهای جاسوسی و آدم گُشی روسها تربیه شده اند، پرورش یافته اند و مغز شوئی شده اند و بیشتر از این نمی توان از آنها توقع داشت، اما شکوه و شکایت و حکایت از آنانی تواند بود که هنوز معنی درست و دقیق "پلورالیزم" را فرا نگرفته اند و به اصطلاح وطنی ما و شما، "پیش جانانه من پنبه و پندانه یکیست".

و اما "پلورالیزم" یا همانا "کثرت گرایی" را چنین تعریف نموده اند:

" فرهنگ آکسفورد، پلورالیزم را به عبارت ذیل تفسیر نموده است:

۱- زندگی در جامعه ای که از گروههای نژادی مختلف تشکیل یافته، یا گروههایی که دارای زندگی سیاسی - دینی مختلف می باشند.

۲- پذیرش این اصل که گروههای مختلف یاد شده، می توانند در یک جامعه به صورت صلح آمیز زندگی کنند."

و اما و مگر این خلقی ها و پرچمی های شرف باخته و وجدان مرده و خونریز و جنایتگستر را در قاموس سیاسی- اجتماعی شان چیزی بنام "صلح"، نیست که نیست و هرگز نبوده و از نخستین دقایق کودتای منحوس و ننگین هفتم ثور ۱۳۵۷ تا این دم و "صمد ازهر" ها و امثال شان حتی خیلی پیشتر از آن مشغول خونریزی و جنگ و جدال و جاسوسی و پستی و پلشتی بودند. در خون و در زره زره ای وجود بی وجود اینها چیزی بنام "صلح" و "زیست باهمی"، خدای داناست که نیست.

و اما آن عده از هموطنان ما که در سرلوح سایت های شان "پلورالیزم" را هک کرده اند و زمینه خیز و جست آزادانه این قماش افراد جنایتگستر را به این میهن فروشان بی آرم مهیا ساخته اند، فراموش کرده اند که اینگونه پلورالیزم طلبی ها و کثرت گرایی ها، فقط و فقط میتواند در حالت صلح کامل کاربرد داشته باشد و صلح کامل و شرافتمندانه هم زمانی به جود می آید که قبل برآن، عدالت کامل اجرا شده باشد و جنایتکاران جنگی از نوع صمد ازهر ها و امثال شان، از جنایتکاران چپ و راست و میانه و...، همه به پای میز محکمه حاضر ساخته شوند و جوابگوی جنایات خود باشند و...

ببینید هموطنان عزیزی که دم از پلورالیزم و کثرت گرائی میزنید و دیده به دانسته در حق بیش از یک و نیم میلیون شهید در خون خفته و بازماندگان شهدای چهل سال پسین که شمار آنها از چند و چندین میلیون هم فراتر میرود، صاف و پوست کنده خیانت میکنید. خیانت به میهن و مردم که شاخ و دم ندارد، یک نوع خیانت ها همین خیانتی است که شما ها دیده به دانسته مرتکب می شوید.

یار زنده و صحبت باقی....